

۱. مقدمه

با توجه به از بین رفتن تدریجی برخی گویشهای ایرانی در عصر حاضر، که فعلاً مجال بررسی علل آن را نداریم، ضبط و جمع‌آوری مواد اولیه گویشها، مطالعه و توصیف درست آنها در چارچوب روشهای علمی، و تطبیق آنها با یکدیگر به منظور استخراج مواد و بنمایه‌های مشترک، در روشن شدن بسیاری از مبهمات زبانهای ایرانی، به‌ویژه زبان فارسی که با گذشت زمان دچار تحولات زیادی شده‌اند، بسیار کارگشاست.

گویشهای تاتی (خلخال)، تالشی و گیلکی از مجموعه زبانهای ایرانی شمال غربی‌اند، که امروزه در حاشیه دریای خزر، چون اضلاع مثلثی به هم پیوسته در کنار هم به حیات خود ادامه می‌دهند و برخی ویژگیهای زبانی دوره باستان و میانه را همچنان در خود حفظ کرده‌اند. با این حال از منظر مطالعات زبانشناسی، به طور جدی و عمیق آنچنان که سزاوار است، مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. امروزه بنیاد گویشهای فوق، به دلایل مختلف، در معرض آسیبهای جدی و نابودی تدریجی قرار دارد.

ریشه و ماده افعال در هر زبانی از مهمترین و اساسی‌ترین بخشهای آن زبان محسوب می‌شوند. ریشه جزئی است که میان لغتهای تشکیل دهنده یک خانواده لغوی مشترک است و معنای اصلی آن لغتها را در بردارد و ماده از افزودن جزئی به ریشه ساخته می‌شود و در اصل برای افزودن معنای جدید به ریشه بوده است (نک: ابوالقاسمی، ۱۳۷۵: ۱۴۲ و ۱۴۳). البته گاه ریشه و ماده (اغلب ماده مضارع و به‌ندرت ماده ماضی) یکی می‌شوند (نک: همان: ۱۴۴ و ۱۴۷-۱۴۸). با این تعریف، اگر اساس هر گویشی را ریشه و ماده‌های آن بدانیم، با شناخت آنها می‌توان به نوعی تمام مشتقات فعلی آن گویش را شناخت. در زبان فارسی و گویشهای ایرانی نو کمتر از ریشه افعال بحث شده است. هرچند ماده‌های ماضی و مضارع هر فعل اغلب از یک ریشه‌اند، اما به دلیل آنکه فعل در ایرانی باستان ساختهای مختلفی داشت، و به دلیل تحولات آوایی از ایرانی باستان به ایرانی میانه غربی، رابطه دستوری میان آن دو در بسیاری از زبانها و گویشهای ایرانی ظاهراً از میان رفته و سماعی شده است. البته در پاره‌ای از گویشها با قواعد و شیوه‌های زبان‌شناسی، برخی از ریشه‌ها به آسانی قابل کشف و یا بازسازی‌اند.

ماده‌های مختلف در هر گویشی، ساخت فعل آن گویش را تشکیل می‌دهند. در همه گویشها ماده‌های فعلی از تعدادی ریشه محدود مشتق شده‌اند. با استخراج ماده‌های فعلها می‌توان به شناخت صحیح گویشهای مختلف دست یافت. اگر مشتقات گروه فعل را به عناصر سازنده آنها تجزیه کنیم، تنها عنصر ثابت، اصیل و مشترک گروه، ماده فعل است و اگر بخواهیم در باره اصالت واژه‌ای در یک زبان حکم کنیم، شناخت ماده فعل بهترین راه‌گشاست. مثلاً در تاتی دروی (dəravi) صفت فاعلی ana-mas (حرف نشنو) به کار می‌رود، اما هیچ مشتق دیگری از این ماده در این گویش موجود نیست، ولی در تالشی که همجوار تاتی است، ماده mas (شنیدن) و مشتقات آن بسیار رایج است. از این مقایسه می‌توان نتیجه گرفت که احتمالاً این ماده از تالشی وارد تاتی شده است. بسیاری از ماده‌های فعلی با تغییرات آوایی در گونه‌های مختلف گویشهای سه‌گانه مشترک‌اند. مانند: vaz/vašt (جستن، پریدن)، âmuj/âmut (آموختن)، suj/sut (سوختن).

در پاره‌ای موارد به دشواری می‌توان ارتباط بین ماده‌های فعلی را در تاتی، تالشی و گیلکی به روشنی نشان داد. مثلاً «آویزان کردن» در گیلکی رشتی: jə-lâstən و ساخت سببی آن jə-lânen، در تالشی مرکزی: â-l'âxnəste، و در تاتی دروی: e-lâq-ânsen است. ظاهراً ماده‌های آنها مشترک نیست، حال آنکه ریشه مشترکی ماده‌های به‌ظاهر متفاوت آنها را به یکدیگر پیوند می‌دهد. به تعبیری دیگر، ریشه ضعیف این فعل در تاتی ləq و صورت قوی آن lâq، در تالشی lex و صورت قوی آن lâx، و در گیلکی ləh و صورت قوی آن lâh است. چون /h/ در جایگاه میانی و پایانی واژه‌های گیلکی معمولاً تلفظ نمی‌شود، /h/ پایانی آن حذف شده (نک: کریستن‌سن، ۱۳۷۴: ۳۸) و با افزونه ماضی‌ساز و پیشوند، به صورت jə-lâ:-st-ən در آمده است. صامت پایانی این ماده‌ها /q/، /x/ و /h/ از نظر جایگاه به هم بسیار نزدیک‌اند.

در این مقاله سعی داریم پس از توصیف ریشه و انواع آن در گویشهای تاتی (گونه دروی و لردی)، تالشی (گونه پره‌سری و سیاه‌مزی) و گیلکی (گونه رشتی و رودسری)، به طبقه‌بندی ماده‌های فعلی این گویشها، و نحوه ساخت هریک از آنها با

ذکر مثالهایی بپردازیم^۱. به همین منظور حدود ۱۵۰ ماده فعلی، اعم از ماده ماضی و مضارع، بررسی، طبقه‌بندی و مقایسه شده است. برخلاف معمول، طرح و بحث ریشه در این گویشها تا حدود زیادی امکان‌پذیر است. ماده مضارع و ماضی در گویشهای مذکور، جز در موارد نادر، با یکدیگر مرتبط‌اند. ماده ماضی از ماده مضارع و افزونه ماضی‌ساز ساخته می‌شود که غالباً با تغییرات آوایی همراه است. ماده مضارع نیز اغلب با خود ریشه یکی است و گاه با افزودن وندی که همیشه در آن صامت /-n/ حضور دارد، به دست می‌آید. روش جمع‌آوری داده‌ها بیشتر میدانی است، اما در تحلیل نظری مواد از منابع کتابخانه‌ای نیز استفاده شده است.

۲. پیشینه بحث

در باره ریشه و ماده افعال تاتی خلخال، به جز یارشاطر (۱۹۶۰: ۲۷۵-۲۸۶) که اشاره‌ای مختصر به ماده ماضی و مضارع تاتی کجل کرده است، و یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد (یحیی‌زاده، ۱۳۸۲: ۱۲۰-۱۲۶) که به طور گذرا به ماده‌های افعال تاتی پرداخته است، تحقیق شایسته دیگری صورت نگرفته است.

رضایتی کیشه‌خاله در کتاب *زبان تالشی* ذیل بحث فعل، به ماده‌های افعال، چگونگی ساخت و طبقه‌بندی آنها در تالشی مرکزی پرداخته و برای نخستین بار به ریشه فعلها نیز اشاره کرده است. به نظر وی ریشه افعال در تالشی به دو صورت ظاهر می‌شوند: ضعیف و قوی. ریشه ضعیف شکلی از ریشه است که *â* ندارد ولی ریشه قوی *â* دارد^۲. از ریشه ضعیف در ساخت ماده‌های مجهول و لازم، و از ریشه قوی بیشتر در ساخت

۱- پیکره این تحقیق به صورت زیر جمع‌آوری شده است: مواد تالشی مرکزی (پره‌سری) و تاتی دروی (*dəravi*) به ترتیب، توسط نویسندگان مقاله که خود از گویشوران‌اند، فراهم آمده است. جمع‌آوری مواد سایر گویشها با مساعدت گویشوران زیر انجام گرفته است: تاتی لردی (*lərđi*) جواد معراجی لرد، کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ تالشی جنوبی (سپاهمزیگی) علی نصرتی، کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ گیلکی رودسری سید مجتبی میرمیران، دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی؛ و گیلکی رشتی رضا چراغی، دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی. از همه این بزرگواران سپاسگزاریم.

۲- در ایرانی باستان، ریشه فعلها به سه صورت ظاهر می‌شده است: ریشه ضعیف، ریشه متوسط و ریشه قوی. ریشه ضعیف، صورتی از ریشه بود که *a* نداشت، ریشه متوسط *a* داشت و در ریشه قوی به جای *a*، از *â* استفاده می‌شده است (نک: ابوالقاسمی، ۱۳۷۵: ۱۴۲).

ماده‌های سببی استفاده می‌شود (نک: رضایتی کیشه‌خاله، ۱۳۸۶: ۵۰-۵۶). در تالشی جنوبی نیز بررسی ماده افعال مورد توجه بوده است. حاجت‌پور افعال را از نظر ماده به افعال «باقاعده» و «بی‌قاعده» تقسیم کرده و نمونه‌هایی از تغییرات آوایی افعال بی‌قاعده را ذکر کرده است (حاجت‌پور، ۱۳۸۳: ۱۱۴-۱۱۸). نغزگوی کهن در مقاله‌ای به اختصار ماده ماضی و مضارع گویش تاسکوه ماسال را بررسی کرده است (نغزگوی کهن، ۱۳۷۳: ۳۸-۵۷).

در باره ریشه افعال در گویش گیلکی تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است، اما پورهادی در زبان گیلکی به ماده فعلها، روش ساخت و تحولات آنها به اختصار پرداخته است. وی ماده‌های مضارعی را که با تغییرات واجی به ماده ماضی مرتبط می‌شوند «ماده‌های ناقص» نامیده است (نک: پورهادی، ۱۳۸۷: ۴۸-۵۴).

گیتی شکری (۱۳۸۱: ۳۰۱-۳۴۸) در مقاله‌ای در باره ماده‌های فعل در گویشهای ایرانی حاشیه دریای خزر (گویشهای رامسر، ساری، گیلکی و ...) به بحث پرداخته و شماری از ماده‌های موجود در این نواحی را فهرست کرده است. وی در باره روش ساخت، ویژگی و انواع ماده‌های مختلف فعلی بحثی نکرده است. جز نامبرده، تا جایی که اطلاع داریم، تحقیقی دیگر در باره ماده‌های فعل گویشهای ایرانی، از جمله گیلکی، تالشی و تاتی به صورت تطبیقی انجام نگرفته است.

۳. ریشه

چنانکه قبلاً بیان شد، ریشه بنیاد و پایه ماده است که با افزودن نشانه‌هایی به آن، ماده حاصل می‌شود. البته در مواردی این دو عنصر شکل یکسانی پیدا می‌کنند. با این حال اغلب ریشه‌ها به خاطر تحولات بنیادی گویشها از دوره باستان به میانه، و از میانه به دوره نو، قابل شناسایی نیستند. به همین خاطر امروزه بیشتر محققان در بررسی و توصیف همزمانی بنمایه‌های فعلی زبانها و گویشهای ایرانی، به جای بحث از ریشه فعلها به ماده آنها پرداخته و بسنده کرده‌اند.

در گویشهای تاتی، تالشی و گیلکی در مواردی ریشه فعلها قابل شناسایی است، یعنی می‌توان از طریق ماده مضارع به ریشه رسید. مثلاً وقتی که ماده مضارع برخلاف زبان فارسی با افزونه ماده‌ساز همراه باشد و یا آنکه در ماده مشترک با ریشه گردش

مصوت صورت بگیرد، به تعبیری دیگر ماده فعل با تغییر مصوت ضعیف و قوی شود، در این صورت آن جزء ثابت و اصلی ریشه است. در تالشی و تاتی و گاه در گیلکی ریشه دو شکل دارد: ریشه ضعیف و ریشه قوی. ریشه ضعیف صورتی از ریشه است که مصوتی جز *â* داشته باشد و ریشه قوی شکلی از ریشه است که *â* دار باشد.

هریک از صورتهای ریشه در بافت خاصی به کار می‌رود. مثلاً، از صورت ضعیف ریشه که کاربرد زیادی هم دارد، معمولاً در ساخت ماده مجهول و لازم، و از شکل قوی آن در ساخت ماده‌های سببی (واداری) استفاده می‌کنند.^۱ هرچند فعلهای سببی اشکال دیگری نیز دارند.

در جدول زیر، نمونه‌هایی از ریشه‌ها که با پیوستن پسوند ماده‌ساز *-n/* به آخر آنها، ماده مضارع ساخته شده است، آمده است:^۲

| ریشه | ماده مضارع | معنی | گوش ۳ |
|--------|------------|-------|---------|
| ju- | jun- | جویدن | د، ل، پ |
| su- | sun- | سودن | د، ل، پ |
| za- | zan- | زدن | د، ل |
| ža- | žan- | زدن | پ، س |
| či- | čin- | چیدن | پ، س |
| ji- | du-jin- | گزیدن | پ، ر، ش |
| he(i)- | hin- | خریدن | ر، ش |
| be(i)- | bin- | بریدن | ش |
| de(i)- | din- | دیدن | ش |

نمونه‌هایی از گردش مصوتها در ریشه افعال تاتی، تالشی و گیلکی:^۳

- ۱- این خصوصیت، عیناً در زبانهای ایرانی باستان دیده می‌شود (نک: ابوالقاسمی، همان: ۱۴۲).
- ۲- در ایرانی باستان، یکی از راههای ساخت ماده مضارع، افزودن *-n/*، *-nā/* یا *-nā̄/* به ریشه بوده است (نک: ابوالقاسمی، ۱۳۷۳: ۱۱).
- ۳- در ذیل گویش، حرفها نشانه اختصاری گویشهای مختلف‌اند: *د* نشانه تاتی دروی، *ل* تاتی لردی، *پ* تالشی پره‌سری، *س* تالشی سیاهمزی، *ر* گیلکی رودسری، *ش* نشانه گیلکی رشتی است.

| ریشه قوی | معنی | ریشه ضعیف | معنی | گویش |
|----------|---------|-----------|-----------|------------|
| lârz- | لرزاندن | larz- | لرزیدن | د، ل، پ |
| vâz- | پراندن | vaz- | پریدن | د، ل، پ |
| xâr- | خاراندن | xar- | خاریدن | د، ل، پ |
| čâk- | شکستن | čak- | شکسته شدن | د، ل، پ، س |
| gârd- | گرداندن | gard- | گشتن | د، ل، پ، س |
| də-gâd- | انداختن | də-gad- | افتادن | ش |
| gân- | انداختن | gən- | انداختن | ش، ر |
| gâd- | انداختن | gad- | افتادن | ش |

نمونه‌هایی از ریشه‌های ضعیف و قوی در ساخت فعل‌های سببی، لازم و مجهول:

فعل سببی

| | | |
|---------------|---------------------|------|
| târs-ânə | می ترساند | د، ل |
| čâr-nəsa | چرانیده شده است | ل |
| čâr-nisa | چرانیده شده است | د |
| ba-râxn-əst-i | می رهند | پ |
| ba-zârn-əst-i | پاره می کند | پ |
| â-gârd-ən-ə | بر می گرداند | س |
| vâ[r]-gân-ə | به سقط وادار می کند | ش |
| n-əâdər-g | آویزان می کند | ر |

فعل لازم یا مجهول

| | | |
|--------------|--------------------|---------|
| tars-ə | می ترسد | د، ل، س |
| čar-ə | می چرد | د، ل، س |
| ba-rax-əst-i | می رهد | پ |
| ba-zer-ist-i | پاره می شود | پ |
| â-gard-ə | بر می گردد | س |
| da-gən-əst | خورد، اصابت کرد | ش |
| də-gan-es | به چیزی برخورد کرد | ر |

۱- gad صورت دیگری از kat گیلکی به معنی «گفتن و افتادن» است که به جای شکل بیواک /k/ و /t/ از شکل واکنار آن دو، یعنی /g/ و /d/ استفاده شده است.

۴. ماده فعل

ماده جزئی از فعل است که در اصل با پیوستن افزونه‌ای به ریشه ساخته می‌شود، با این حال، همچنانکه قبلاً نیز اشاره شد، در مواردی ریشه عین ماده است و با آن تفاوت ساختی ندارد. در ایرانی باستان هم نمونه‌هایی از ریشه ستاکی وجود دارد (نک: ابوالقاسمی، ۱۳۷۳: ۱۱ و ۱۲). ماده افعال در گویشهای تاتی، تالشی و گیلکی انواع مختلفی دارد و هر ماده‌ای هم به منظور خاصی استفاده می‌شود. در گویشهای مورد نظر ماده‌های زیر به کار می‌رود: ماده مضارع، ماده ماضی، ماده سببی (واداری)، و ماده جعلی. علاوه بر این در تالشی و تاتی ماده مجهول نیز وجود دارد که شکل تحول یافته ایرانی باستان است.

۴-۱. ماده مضارع

ماده مضارع در گویشهای سه‌گانه اغلب با ریشه اختلاف ساختی ندارد. با این حال، در مواردی نشانه و علامت خاصی دارد که صامت /-n/ جزء جدایی‌ناپذیر آن نشانه است. در این صورت، ریشه به صورت ماده ماضی ظاهر می‌شود. در تاتی و تالشی ماده‌های مضارعی که به صامت /-n/ ختم می‌شوند، واداری نمی‌شوند (مانند: ju ماده ماضی و ju-n ماده مضارع «جویدن»). این مسئله نشان می‌دهد که /-n/ به ریشه‌هایی اضافه می‌شود که خود متعدی‌اند (جز یک مورد در تاتی دروی که در آن، /-n/ به ریشه متعدی اضافه شده است و آن ماده مضارع gin و ماده ماضی ĩn «ریدن» است).
 ماده‌های مضارع و ماضی و کاربرد هریک، از گویشی به گویشی، و حتی در گونه‌های مختلف گویشهای تاتی، تالشی و گیلکی با یکدیگر تا حدودی تفاوت دارد. به این جهت در اینجا کاربرد ماده ماضی و مضارع هر گویشی جداگانه ذکر می‌شود.

۴-۱-۱. ماده مضارع در تاتی

ماده مضارع جزء ثابت فعل در ساختهای مضارع اخباری، مضارع التزامی، مضارع شرطی (تمنایی)، ماضی استمراری تمنایی، ماضی استمراری (در گونه دروی)، ماضی مستمر، مضارع مستمر، وجه امری (امر و نهی) و صفت فاعلی است، تنها نشانه ویژه‌ای که ماده مضارع تاتی دارد، /-n/ و /-nj/ است.

۴-۱-۲. ماده مضارع در تالشی

از ماده مضارع در تالشی، مضارع التزامی، مضارع التزامی نشانه‌دار (در گونه مرکزی)، ماضی استمراری، ماضی استمراری تمنایی، آینده در گذشته (در گونه مرکزی)، وجه امری، صفت فاعلی، ماضی مستمر (در گونه جنوبی)، مضارع مستمر (در گونه جنوبی)، و برخی صفات مفعولی ساخته می‌شود. تنها نشانه ویژه‌ای که ماده مضارع تالشی دارد، /-n/ است (نک: رضایتی کیشه‌خاله، همان: ۷۰-۹۲).

۴-۱-۳. ماده مضارع در گیلکی

از ماده مضارع گیلکی در ساخت فعلهای مضارع اخباری، مضارع التزامی و وجه امری استفاده می‌شود. تنها نشانه ویژه‌ای که ماده مضارع گیلکی دارد، /-n/ است.^۱

۴-۲. ماده ماضی

شکل اصلی ماده‌های ماضی در گویشهای گیلکی، تالشی و تاتی از پیوستن /-t/ و /-d/ به آخر ریشه یا ماده‌های مضارع ساخته می‌شود که پیوستن این پسوندها اغلب موجب تغییرات آوایی ریشه یا ماده مضارع نیز می‌گردد.^۲ به همین سبب، برخی پژوهشگران، این نوع فعلها را افعال «بی‌قاعده» نامیده‌اند (نک: صادقی و ...، ۱۳۵۴: ۳۱-۳۳؛ لازار، ۱۳۸۴: ۱۵۹-۱۶۴). علاوه بر ساخت فوق، شکلهای دیگری نیز از ماده‌های ماضی در گویشهای فوق وجود دارند که امروزه کاربرد بیشتری پیدا کرده‌اند. این ماده‌ها، در حقیقت ماده جعلی محسوب می‌شوند.

۴-۲-۱. ماده ماضی در تاتی

ماده ماضی جزء ثابت فعل در ساختهای زمان ماضی (به استثنای ماضی استمراری، ماضی استمراری تمنایی و ماضی مستمر در روی)، و جزء ثابت فعل در ساختهای

۱- ظاهراً هیچ‌یک از پژوهشگران به پسوند ماده مضارع در گویشهای تاتی و گیلکی اشاره‌ای نکرده‌اند.

۲- ماده‌های ماضی در گویشهای تاتی، تالشی و گیلکی، همچون ماده‌های ماضی فارسی میانه و پارتی، بازمانده‌های صفت‌های فاعلی و مفعولی گذشته ایرانی باستان هستند. صفت‌های فاعلی و مفعولی ایرانی باستان معمولاً از صورت ضعیف ریشه و پسوند /-ta/ ساخته می‌شده‌اند (ابوالقاسمی، ۱۳۷۳: ۱۷؛ رضایی باغبیدی، ۱۳۸۵: ۱۱۴).

مضارع مستمر در لردی، و صفت مفعولی و مصدر است. در تاتی ماده ماضی از ریشه یا ماده مضارع و پسوندهای ماضی ساز: $(-ə)s(s/t)$ ، $-i$ ، $-t$ ، $-d$ به دست می آید.

۴-۲-۲. ماده ماضی در تالشی

از ماده ماضی در تالشی، فعلهای ماضی ساده، ماضی نقلی، ماضی بعید، ماضی بعید تمناپی، ماضی التزامی، ماضی مستمر (در مرکزی)، مضارع مستمر (در مرکزی)، مضارع اخباری، آینده نزدیک (در مرکزی)، مصدر، و صفت مفعولی ساخته می شود. در تالشی ماده ماضی از ریشه یا ماده مضارع و پسوندهای ماضی ساز: $(-ə/u)st$ ، $-i$ ، $-t$ ، $-d$ به دست می آید (نک: رضایتی کیشه خاله، همان: ۵۳-۵۶ و ۷۰-۹۱).

۴-۲-۳. ماده ماضی در گیلکی

در گیلکی از ماده ماضی در ساخت فعلهای ماضی ساده، ماضی نقلی، ماضی استمراری، ماضی مستمر، ماضی التزامی و صفت مفعولی استفاده می شود. در گیلکی ماده ماضی از ریشه یا ماده مضارع و پسوندهای ماضی ساز: $(-a/ə/u)st$ ، $-i$ ، $-t$ ، $-d$ به دست می آید. نمونه های ماده مضارع و ماضی در گویشهای گیلکی، تالشی و تاتی در صفحات آینده آمده است.

بنابر این ماده های ماضی در گویشهای تاتی، تالشی و گیلکی بر دو نوع اند: اصلی و جعلی. در باره ماده ماضی اصلی که امروزه اغلب با ماده مضارع هم ریشه خود رابطه قیاسی استواری ندارد، قبلاً در ۲-۴ توضیح داده شد؛ اما ماده ماضی جعلی دو نشانه عمده دارد: $/-i/$ و $/-st/$. نشانه دوم در گونه های مورد مطالعه، ضمن آنکه کاربرد گسترده تری دارد، بیشتر با مصوتهای میانجی: $-a/ə/i/u$ همراه است که بین ریشه یا ماده مضارع و افزونه ماده ساز قرار می گیرند.

در اینجا نمونه هایی از ماده های ماضی اصلی (مختوم به $-t/-d$) در گویشهای تاتی، تالشی و گیلکی تاتی را ذکر می کنیم که رابطه دستوری آنها همچنان با ماده مضارع آنها بدون هیچ تغییری حفظ شده است. البته شمار این ماده ها در هر سه گویش، به ویژه در گویش گیلکی، بسیار محدود است.

الف) ماده‌های ماضی مختوم به -t:

| ماده ماضی | ماده ماضی | معنی مصدر | گویش |
|-----------|-----------|------------|------------|
| kəš- | kəšt- | کشتن | د، ل، پ، س |
| nəš- | nəšt- | نشستن | د، ل، پ، س |
| kəf- | kəft- | افتادن | ش |
| bâf- | bâft- | بافتن | ش |
| du-kuš- | du-kušt- | خاموش کردن | ر |

ب) ماده‌های ماضی مختوم به -d:

| ماده ماضی | ماده ماضی | معنی مصدر | گویش |
|-----------|-----------|-----------|------------|
| kar- | kard- | کردن | د، ل، پ، س |
| (a)fan- | (a)fand- | انداختن | د، ل، پ |
| bar- | bard- | بردن | د، ل، پ |
| har- | hard- | خوردن | د، ل، پ |
| xur- | xurd- | خوردن | ش |
| vâ-čar- | vâ-čard- | پاره کردن | ش |
| ašmar- | ašmard- | شمردن | د، ل، پ |
| kan- | kand- | کندن | د، ل، پ |
| šân- | šând- | پاشیدن | ر |
| žan- | žand- | زدن | س |

هرچند رابطه دستوری اغلب ماده‌های ماضی اصلی با ماده‌های مضارع هم‌ریشه آنها ظاهراً گسسته است، با این حال بین این ماده‌ها نوعی رابطه برقرار است و از این نظر به صورت‌های زیر قابل طبقه‌بندی است:

الف) با افزودن نشانه ماضی ساز (-t/-d) به ماده مضارع، صامت آخر این ماده حذف می‌شود. در این صورت، ماده مضارع اغلب مختوم به /-j/ و گاه مختوم به /-n/ است:

| ماده مضارع | ماده ماضی | معنی مصدر | گویش |
|------------|-----------|-----------|---------------|
| xenj- | xent- | نوشیدن | س |
| henj- | hent- | نوشیدن | پ |
| â-muj- | â-mut- | آموختن | د، ل، پ، س، ر |

| | | | |
|---------|---------|-----------|------------|
| darəj- | darət- | چارو کردن | پ |
| duj- | \duxt- | دوختن | ش، د، ل |
| suj- | sut- | سوختن | د، ل، پ، س |
| əškâj- | əškât- | شکافتن | د، پ |
| məj- | mət- | قدم زدن | د، ل |
| muj- | mut- | قدم زدن | ر |
| vâj- | vât- | گفتن | د، ل، پ |
| vaj- | vat- | بافتن | پ |
| di-yaj- | di-yat- | یافتن | ر |
| du-xân- | du-xâd- | صدا زدن | ش |
| kun- | kud- | کردن | ش، ر |

با این حال، در مواردی، ماده‌های مضارع مختوم به /-š/، /-s/، /-t/، /-č/ و /-f/ نیز با فرایند حذف صامت پایانی دیده می‌شوند:

| ماده مضارع | ماده ماضی | معنی مصدر | گویش |
|------------|-----------|-----------|---------|
| xruš- | xrut- | فروختن | د، ل |
| xəraš- | xərat- | فروختن | پ |
| furuš- | xurut- | فروختن | ر |
| xəs- | xət- | خوابیدن | د، ل، پ |
| xus- | xut- | خوابیدن | ش، ر |
| gir- | git- | گرفتن | ش، ر |
| pič- | pit- | پیچیدن | د، ل، ر |
| ruf- | rut- | رُفتن | س |
| kaf- | kat- | افتادن | ش |

(ب) با افزودن نشانه ماضی ساز (-t/-d) به ماده مضارع، صامت آخر، و در مواردی دو صامت آخر، ماده مضارع دچار تغییرات آوایی می‌شود.

۱- تبدیل /-z/ به /-š/:

۱- در گیلکی خوشه xt و ft گاه صامت نخست خود را در ماده ماضی از دست می‌دهد. مثلاً ماده‌های ماضی dut، duxt (دوختن)، و gut، guft (گفتن) در کنار هم به کار می‌روند.

| ماده مضارع | ماده ماضی | معنی مصدر | گویش |
|------------|-----------|------------|------------|
| gaz- | gašt- | گزیدن | د، ل، ش |
| vaz- | vašt- | پریدن | د، ل، پ، س |
| â-vrâz- | â-vrâšt- | پهن کردن | د، ل |
| xâz- | xâšt- | طمع ورزیدن | پ |
| â-xâz- | â-xâšt- | خواستن | ل |
| da-prâz- | da-prâšt- | بر افراشتن | س، ش |

۲- تبدیل /-s/ به /-š/:

| ماده مضارع | ماده ماضی | معنی مصدر | گویش |
|------------|------------|-----------|---------|
| diyas- | diyašt- | نگاه کردن | د، ل |
| nivis- | nivišt- | نوشتن | ل |
| lis- | lišť/ləšt- | لیسیدن | د، ر، پ |
| da-yes- | da-yešt- | نگاه کردن | پ، س |
| vi-ris- | vi-rišt- | برخاستن | ش |
| nivis- | nivišt- | نوشتن | ش |
| â-vis- | â-višt- | پاک کردن | پ |

۳- تبدیل /-r/ به /-š/:

| ماده مضارع | ماده ماضی | معنی مصدر | گویش |
|------------|-----------|-----------|---------------|
| dâr- | dâšt- | داشتن | د، ل، پ، ش، ر |
| gəzar- | gəzašt- | گذشتن | د، ل، پ |
| kâr- | kâšt- | کاشتن | تمام گونه‌ها |
| pe-dâr- | pe-dâšt- | وزن کردن | د، پ |
| šur- | šušt- | شستن | پ، ش |

۴- تبدیل /-rZ/ به /-š/:

| ماده مضارع | ماده ماضی | معنی مصدر | گویش |
|------------|-----------|-----------|---------------|
| harz- | hašt- | گذاشتن | د، ل، س، پ، ش |
| derz- | dešt- | دوختن | س |

با این حال مواردی از ابدال /-r→-s/، /-d→-s/، /-r→-f/، /-z→-x/، /-z→-s/، /-j→-š/، /-s→-x/، /-l→-š/ و /-š→-x/ نیز دیده می‌شود:

| گویش | معنی مصدر | ماده ماضی | ماده مضارع |
|--------------|-----------|------------|------------|
| ش | شستن | šust- | šur- |
| ش | بستن | də-b/vast- | də-bad- |
| ش | برداشتن | vâ-gift- | vâ-gir- |
| تمام گونه‌ها | باختن | bâxt- | bâz- |
| د، ل، ر | ساختن | sâxt- | sâz- |
| پ | ساختن | sâst- | sâz- |
| ش، ر | برشتن | bišt- | bij- |
| ش، ر | شناختن | šənâxt- | šənâs- |
| ش | هشتن | vâ-hâšt- | vâ-hâl- |
| ش | فروختن | furuxt- | furuš- |

ج) با افزودن نشانه ماضی ساز (-t/-d) به ماده مضارع، تغییرات آوایی زیادی رخ می‌دهد که نمی‌توان آنها را تحت قاعده خاصی درآورد:

| گویش | معنی مصدر | ماده ماضی | ماده مضارع |
|---------|-----------|-----------|------------|
| د، ل | شستن | šəst- | šur- |
| پ | دوختن | dašt- | derz- |
| پ، د، ل | میزیدن | (da)məšt- | (da)miz- |
| د، ل | گرفتن | gat- | gir- |
| س، پ | گرفتن | gat- | ger- |
| د، ل | برشتن | bərəšt- | bərij- |
| پ | بستن | bast- | bend- |
| د، ل | پختن | pat- | pej- |
| ش | برشتن | bišt- | bij- |
| د، ل، س | زاییدن | zand- | zâ- |
| پ | زاییدن | zand- | zi- |

د) ماده ماضی برخی از فعلها با تغییر مصوت آخر ماده مضارع آنها به دست می‌آید. شمار این ماده‌ها بسیار محدود است.

۱- تبدیل /-a/ به /-â(u)/:

| ماده مضارع | ماده ماضی | معنی مصدر | گویش |
|------------|-----------|-----------|------------|
| da- | dâ(u)- | دادن | د، ل، پ، س |
| na- | nâ(u)- | نهادن | ل، پ، س |
| za- | zâ- | زادن | ش |

۲- تبدیل /-e/ به /-a/:

| ماده مضارع | ماده ماضی | معنی مصدر | گویش |
|------------|-----------|-----------|------|
| ne- | na- | نهادن | ر |
| de- | da- | دادن | ر |

۳- تبدیل /-â/ به /-u/:

| ماده مضارع | ماده ماضی | معنی مصدر | گویش |
|------------|-----------|-----------|------|
| sâ- | su- | ساییدن | س |
| jâ- | ju- | جویدن | س |

ه) ماده ماضی برخی از فعلها با ماده مضارع آنها تفاوتی ندارد:

| ماده مضارع | ماده ماضی | معنی مصدر | گویش |
|------------|-----------|-----------|---------|
| baxš- | baxš- | بخشیدن | ش، س، ر |
| da-bast- | da-bast- | بستن | پ، س |
| juš- | juš- | جوشیدن | ش، ر |
| mas- | mas- | شنیدن | س |
| čak- | čak- | شکستن | س |
| vâr- | vâr- | باریدن | س |
| pe-p- | pe-p- | بلند شدن | پ |
| â-səst- | â-səst- | ربودن | پ |
| rēs- | rēs- | ریسیدن | ر |
| ras- | ras- | رسیدن | ر |

نظام تک‌بنی فعلها (ماده‌های مضارع و ماضی مشترک) چنانکه ملاحظه می‌شود، ظاهراً در گونه‌های مختلف گویش تاتی به چشم نمی‌خورد. در گیلکی و تالشی مرکزی بسیار محدود است، اما در تالشی شمالی و جنوبی رواج زیادی دارد (نک: رضایتی، ۱۳۸۵: ۹-۱۰).

علاوه بر ماده‌های ماضی اصلی، ماده‌های جعلی نیز در گویشهای تاتی، تالشی و گیلکی وجود دارند که با افزودن نشانه‌هایی به آخر ماده مضارع و برخی اسمها و صفتها ساخته می‌شوند.^۱ اینک شواهدی از ماده‌های جعلی در گونه‌های مختلف این گویشها ذکر می‌کنیم.

۱- /-st/ : این نشانه که معمولاً با مصوت میانجی /ə/ همراه است (نک: ص ۹)، از وندهای پُربسامد ماضی‌ساز در تاتی، تالشی و گیلکی است:

| گویش | معنی مصدر | ماده ماضی | ماده مضارع |
|------------|-----------|-------------|------------|
| د، پ، ش، ر | جنگیدن | jangəst- | jang |
| د، ل | فرو کردن | xâs- | xâ- |
| د، ل | فهمیدن | faməss- | fam- |
| د، ل | افتادن | gənəss- | gən- |
| د، ل | کوبیدن | kuss- | ku- |
| د، ل | پاییدن | pâss- | pâ- |
| پ | خندیدن | xurust- | xur- |
| پ | دانستن | zunust- | zun- |
| پ | ترسیدن | tarsəst- | tars- |
| پ | شکستن | čakəst- | čak- |
| پ | توانستن | šâst- | šâ- |
| ش | پژمردن | du-čulkust- | du-čulk- |
| ش | باریدن | bârəst- | bâr- |
| ش | ریختن | Fu-vust- | fu-vu- |
| ش | ریختن | kâlast- | kâl- |
| ش | رمیدن | rəmast- | rəm- |

۱- سابقه استفاده از نشانه ماضی‌ساز /-əst/ به دوره میانه زبانهای ایرانی گروه غربی می‌رسد. «فارسی میانه، علاوه بر ماده‌های ماضی بازمانده از صفت‌های فاعلی و مفعولی گذشته، که ماده‌های ماضی اصلی به شمار می‌آیند، ماده‌های ماضی جعلی هم دارد. ماده‌های ماضی جعلی فارسی میانه، از اسم، ماده مضارع لازم و معلوم و مجهول و واداری و جعلی با -Īd و یا -īst ساخته شده‌اند» (ابوالقاسمی، ۱۳۷۳، ص ۱۷). در آثار اولیه فارسی دری، این نشانه به صورت -est (ست) در ساختمان برخی از فعلها دیده می‌شود و مواردی محدود به زبان فارسی امروز نیز رسیده است. مانند: توانستن، زیستن، گریستن، و... اما این نوع فعلها در فارسی دری زبانی چندانی نداشته و احتمالاً شواهد انگشت‌شمار آن از راه دیگر گویشهای ایرانی به متون فارسی راه یافته‌اند.

| | | | |
|-------|----------|--------|---|
| yâr- | yârəst- | یارستن | ر |
| čarx- | čarxəst- | چرخیدن | ر |
| časb- | časbəst- | چسبیدن | ر |
| ərz- | ərzəst- | ارزیدن | ر |

نشانه ماضی ساز /-əst/ معمولاً با همگونی صامت t- با s-، و تبدیل این نشانه به -əss در گونه‌های مختلف تاتی کاربرد دارد. این نشانه در تالشی سیاهمزیگی مشاهده نشد. ۲- /-i-/: از این نشانه، شواهد معدودی در گویشهای تاتی دروی و لردی، و همچنین تالشی مرکزی وجود دارد. در تالشی جنوبی و گویشهای گیلکی به کار نمی‌رود، اما یکی از وندهای پُر کاربرد در تالشی شمالی است (نک: شولتسه، ۲۰۰۰: ۴۵؛ رضایتی، ۱۳۸۵: ۹)!

| گویش | معنی مصدر | ماده ماضی | ماده مضارع |
|---------|-----------|-----------|------------|
| د، ل | بودن | bi- | b- |
| د، ل | رفتن | ši- | š- |
| د، ل | بریدن | bəri- | bər- |
| د، ل، پ | دزدیدن | dəzi- | dəz- |
| د، ل، پ | خریدن | xəri- | xər- |

۵. ماده مجهول

ماده مجهول با افزودن /-i/ یا /-ə/ به آخر ماده مضارع متعدی ساخته می‌شود. در ساختمان ماده مجهول اغلب از ریشه ضعیف استفاده می‌گردد. ماده ماضی مجهول نیز با افزودن نشانه‌های ماضی ساز به آخر این ماده درست می‌شود:

۱- ماده ماضی و مضارع «آمدن» در گویشهای تاتی، تالشی و گیلکی مثل فارسی از دو ریشه کاملاً مختلف گرفته شده است. ماده ماضی این فعل (ām/um) مشتق از ā-gmata* و ماده مضارع آن مشتق از ā-i-a* فارسی باستان است (نک: حسن دوست، ۱۳۸۳: ۵۲ و ۶۷).

۲- سابقه استفاده از ماده مجهول به دوره باستانی زبانهای ایرانی بر می‌گردد. در ایرانی باستان با افزودن -ya به آخر ریشه ضعیف، ماده مجهول ساخته می‌شده است. مانند: brvā-: «برده شدن» (نک: ابوالقاسمی، ۱۳۷۲: ۱۳). در فارسی میانه، پارتی و سغدی، بازمانده ماده‌های آغازی ایرانی باستان (مختوم به -s-a)* در برابر بازمانده ماده‌های غیر آغازی (گذرا) در معنی لازم و مجهول به کار می‌رفته‌اند (نک: همو، ۱۳۷۵: ۱۶۵-۱۶۶). علاوه بر این، در فارسی میانه با افزودن پسوند -īh به آخر ماده مضارع متعدی، ماده مجهول ساخته می‌شده است. مانند: xwānīh- «خوانده شدن» (نک: همو، ۱۳۷۵: ۱۶۶). ماده مجهول به فارسی دری نرسیده است. به جای آن، برای مجهول کردن فعلها از افزودن ساخت تصریفی «شدن» به آخر صفت‌های مفعولی استفاده می‌کنند.

| ریشه ضعیف | مضارع مجهول | ماضی مجهول | معنی مصدر | گوش |
|-----------|-------------|------------|-----------|-----|
| kan- | kan-i- | kan-i-ss- | کنده شدن | د |
| paj- | paj-ə- | paj-ə-ss- | پخته شدن | ل |
| kər- | kər-i- | kər-i-st- | کشیده شدن | پ |
| gir- | gir-i- | gir-i-yya- | گرفته شدن | س |

ماده مجهول در گویشهای گیلکی به کار نمی‌رود، ولی چنانکه ملاحظه می‌شود، در گونه‌های مختلف گویشهای تاتی و تالشی وجود دارد که امروزه بیشتر کاربرد دوگانه پیدا کرده است؛ یعنی این ماده، هم در ساخت فعل مجهول به کار می‌رود و هم در برابر معادل متعدی خود بر معنی لازم فعلها دلالت می‌کند (نک: رضایتی، ۱۳۸۵: ۱۰-۱۱). از ماده مجهول در ساخت صفت مفعولی مجهول نیز استفاده می‌کنند:

| گوش | معنی | صفت مفعولی مجهول |
|-----|-----------|------------------|
| د | بریده شده | bər-isa |
| ل | بافته شده | vaj-əsa |
| پ | گرفته شده | ger-ista |
| س | کنده شده | kan-iyya |

۶. ماده سببی (واداری)

ماده سببی در گویشهای مورد مطالعه به چهار صورت ظاهر می‌شود:
 ۶-۱ ریشه ضعیف + *-âvən / -âmən* که صرفاً در گویشهای تاتی و تالشی به کار می‌رود.

| گوش | معنی مصدر | ماده سببی ماضی | ماده سببی مضارع |
|------|-----------|----------------|-----------------|
| د، ل | جوشانیدن | gəl-âvən-əss- | gəl-âvən- |
| د، ل | خورانیدن | xur-âvən-əss- | xur-âvən- |
| پ | پرانیدن | par-âvən-əst- | par-âvən- |
| پ | خوابانیدن | xəs-âvən-əst- | xəs-âvən- |
| س | گردانیدن | gard-âmən-d- | gard-âmən- |
| س | جوشانیدن | gəl-âmən-d- | gəl-âmən- |

۶-۲ ریشه ضعیف + -ân:

| ماده سببی مضارع | ماده سببی ماضی | معنی مصدر | گویش |
|----------------------|----------------------|-------------|------|
| xes- <u>ân</u> - | xes- <u>ân</u> -əs- | خوابانیدن | د، ل |
| div- <u>ân</u> - | div- <u>ân</u> -əs- | مکانیدن | د، ل |
| čarb- <u>ân</u> - | čarb- <u>ân</u> - | چربانیدن | ش |
| čulk- <u>ân</u> - | čulk- <u>ân</u> - | پژمرانیدن | ش |
| u-mir- <u>ân</u> - | u-mir- <u>ân</u> - | بی میل کردن | ش |
| vas- <u>ân</u> - | vas- <u>ân</u> - | مالانیدن | ر |
| va-gard- <u>ân</u> - | va-gard- <u>ân</u> - | واژگون کردن | ر |
| viris- <u>ân</u> - | 'vi-ris- <u>ân</u> - | برخیزانیدن | ر |

به نظر می‌رسد این ساخت صورت تحول‌یافته نوع اول است که صرفاً در گویشهای تاتی و گیلکی به کار می‌رود.

۶-۳ ریشه قوی + (ə/â)n- که صرفاً در گویشهای تاتی و تالشی استفاده می‌شود.

| ماده سببی مضارع | ماده سببی ماضی | معنی مصدر | گویش |
|----------------------|-------------------------|------------|---------|
| xâr- <u>n</u> - | xâr- <u>n</u> -əs(t)- | خارانیدن | پ، د، ل |
| lârz- <u>ən</u> - | lârz- <u>ən</u> -əs- | لرزانیدن | د، ل |
| pe-gârd- <u>ân</u> - | pe-gârd- <u>ân</u> -əs- | برگردانیدن | د، ل |
| trâk- <u>ân</u> - | trâk- <u>ân</u> -əs- | ترکانیدن | د، ل |
| â-gârd- <u>ən</u> - | â-gârd- <u>ən</u> -d- | برگردانیدن | س |
| â-râs- <u>ən</u> - | â-râs- <u>ən</u> -d- | رسانیدن | س |
| l'ârz- <u>ən</u> - | l'ârz- <u>ən</u> -əst- | لرزانیدن | پ |
| zâr- <u>n</u> - | zâr- <u>n</u> -əst- | پاره کردن | پ |

۶-۴ گاه ریشه صرفاً با گردش مصوت (تبدیل به â) سببی می‌شود. البته، شمار این گونه ماده‌ها در گویشهای مورد مطالعه بسیار اندک است:

۱- در گیلکی ماده مضارع و ماضی سببی (واداری) از نظر ساخت ظاهراً تفاوتی با هم ندارند. به نظر دکتر طاهری این شکل از وند واداری ماضی، احتمالاً بازمانده صورت -ând- است که صامت پایانی آن حذف شده است.

| گویش | معنی مصدر | مادهٔ سببی ماضی | مادهٔ سببی مضارع |
|------|-----------|-----------------|------------------|
| پ | شکافتن | əškât- | əškej- → əškâj- |
| د، ل | شکافتن | əškât- | əškənj- → əškâj- |
| ر، ش | انداختن | gâd- | gən- → gân- |

۷. نتیجه‌گیری

ریشه و مادهٔ افعال از اساسی‌ترین بخشهای هر زبان محسوب می‌شوند. ریشه جزء بنیادی واژه است که در یک خانوادهٔ لغوی مشترک است و معنای اصلی آن لغتها را در بردارد و ماده جزئی است که به ریشه افزوده می‌شود و معنای جدید می‌سازد. هرچند در گویشهای تاتی، تالشی و گیلکی اغلب ماده‌های فعلی با اندکی تغییرات آوایی با یکدیگر مرتبط‌اند، ظاهراً گاه ارتباط آنها از هم گسسته می‌شود. در این صورت می‌توان از طریق ریشهٔ مشترک، ماده‌های به‌ظاهر متفاوت آنها را به یکدیگر پیوند داد.

در گویشهای سه‌گانه در مواردی ریشهٔ فعلها به سادگی قابل شناسایی است. یعنی می‌توان از طریق مادهٔ مضارع به ریشه رسید و آن وقتی است که مادهٔ مضارع برخلاف زبان فارسی با افزونهٔ ماده‌ساز همراه باشد و یا آنکه در مادهٔ مشترک با ریشه، گردش مصوت صورت بگیرد. به تعبیری دیگر مادهٔ فعل، با تغییر مصوت، ضعیف و قوی شود. در این صورت آن جزء ثابت و اصلی ریشه است.

در تالشی و تاتی و گاه در گیلکی ریشه دو شکل دارد: ریشهٔ ضعیف و ریشهٔ قوی. ریشهٔ ضعیف صورتی از ریشه است که مصوتی جز *â* داشته باشد، و ریشهٔ قوی شکلی از ریشه است که *â* دار باشد. هریک از صورتهای ریشه در بافت خاصی به کار می‌روند. مثلاً از صورت ضعیف ریشه معمولاً در ساخت مادهٔ مجهول و فعلهای لازم، و از شکل قوی آن در ساخت ماده‌های سببی (واداری) استفاده می‌کنند.

در گویشهای مورد مطالعه، ماده‌های زیر به کار می‌روند: مادهٔ مضارع، مادهٔ ماضی، مادهٔ سببی (واداری)، و مادهٔ جعلی. علاوه بر این، در تالشی و تاتی مادهٔ مجهول نیز وجود دارد. ماده‌های مضارع اغلب با ریشه اختلاف ساختی ندارند. با این حال در مواردی نشانه و علامت خاصی دارند که $/-\Pi/$ جزء جدایی‌ناپذیر آن نشانه است. در این صورت ریشه به صورت مادهٔ ماضی ظاهر می‌شود.

ماده‌های ماضی در گویشهای تاتی، تالشی و گیلکی بر دو نوع‌اند: اصلی و جعلی. شکل اصلی ماده‌های ماضی که امروزه رابطه قیاسی اغلب آنها با ماده‌های مضارع از بین رفته است، از پیوستن /-t/ و /-d/ به آخر ریشه یا ماده‌های مضارع ساخته می‌شود. البته پیوستن این نشانه‌ها اغلب موجب تغییرات آوایی ریشه یا ماده مضارع نیز می‌گردد. پسوندهای ماضی‌ساز در تاتی (ə)s(s/t) -، -d, -t, -i, -ø, در تالشی (ə/u)st -، -d, -t, -i, -ø, و در گیلکی: (a/ə/u)st -، -d, -t, -i, -ø, است. با این حال ماده ماضی و مضارع برخی از فعلها از نظر ساخت با هم تفاوتی ندارند.

ماده ماضی جعلی در گویشهای سه‌گانه دو نشانه دارد: /-i/ و /-st/. شواهد معدودی از نشانه /-i/ در گویشهای تاتی دروی و لردی، و همچنین تالشی مرکزی وجود دارد. در تالشی جنوبی و گویشهای گیلکی این نشانه به کار نمی‌رود، اما یکی از وندهای پُرکاربرد در تالشی شمالی است. نشانه /-st/ در گویشهای مذکور کاربرد گسترده‌تری دارد و بیشتر با مصوت‌های میانجی: a/ə/i/u همراه است که بین ریشه یا ماده مضارع و افزونه ماده‌ساز قرار می‌گیرند.

ماده سببی در گویشهای سه‌گانه مورد نظر به چهار صورت ظاهر می‌شود:

- ۱- ریشه ضعیف + -âvən/-âmən- که صرفاً در گویشهای تاتی و تالشی به کار می‌رود؛
- ۲- ریشه ضعیف + -ân- که فقط در گویشهای تاتی و گیلکی کاربرد دارد؛
- ۳- ریشه قوی + -(ə/â)n- که صرفاً در گویشهای تاتی و تالشی استفاده می‌شود؛
- ۴- ریشه تنها که با گردش مصوت (تبدیل به â) سببی می‌شود.

ماده مضارع مجهول با افزودن /-i/ یا /-ə/ به آخر ماده مضارع متعدی ساخته می‌شود. در ساخت ماده مجهول اغلب از ریشه ضعیف استفاده می‌گردد. ماده ماضی مجهول نیز با افزودن نشانه‌های ماضی‌ساز به آخر ماده مضارع مجهول درست می‌شود. ماده مجهول در گویشهای گیلکی به کار نمی‌رود، ولی در گونه‌های مختلف گویشهای تاتی و تالشی وجود دارد که امروزه بیشتر کاربرد دوگانه پیدا کرده است؛ یعنی هم در ساخت فعل مجهول به کار می‌رود و هم در برابر معادل متعدی خود بر معنی لازم فعلها دلالت می‌کند.

کتابنامه

- آموزگار، ژاله (۱۳۸۲)، *زبان پهلوی، ادبیات و دستور آن*. تهران، انتشارات معین.
- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۳)، *ماده‌های فعل‌های فارسی دری*، تهران، انتشارات ققنوس.
- _____ (۱۳۷۵)، *دستور تاریخی زبان فارسی*، تهران، انتشارات سمت.
- پورهادی، مسعود (۱۳۸۷)، *زبان گیلکی*، رشت، فرهنگ ایلیا.
- حاجت‌پور، حمید (۱۳۸۳)، *زبان تالشی (گویش خوشابر)*، رشت، گیلکان.
- حسن دوست، محمد، (۱۳۸۴)، *فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی*، زیر نظر بهمن سرکاراتی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ج. اول.
- رضایتی کیشه‌خاله، محرم (۱۳۸۶)، *زبان تالشی «توصیف گویش مرکزی»*، رشت: فرهنگ ایلیا.
- _____ (۱۳۸۵)، «مصدر و ساخت آن در گویش تالشی»، *مجله گویش‌شناسی (ضمیمه نامه فرهنگستان)*، ش ۵.
- رضایی باغبیدی، حسن (۱۳۸۵)، *راهنمای زبان پارتی (پهلوی اشکانی)*، تهران، ققنوس.
- شکری، گیتی (۱۳۸۱)، «برخی ستاک‌های گذشته و حال در افعال گویش‌های کرانه خزر»، *مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی گویش‌شناسی ایران*، به کوشش حسن رضایی باغبیدی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، صص ۳۰۱-۳۴۸.
- صادقی، علی‌اشرف و غلامرضا ارزنگ (۱۳۵۴)، *دستور سال دوم فرهنگ و ادب*، تهران، وزارت آموزش و پرورش.
- طاهری، اسفندیار (۱۳۸۵)، «فعل در گویش بختیاری»، *مجله گویش‌شناسی (ضمیمه نامه فرهنگستان)*، ش ۵.
- لازار، ژیلبر (۱۳۸۴)، *دستور زبان فارسی معاصر*، ترجمه مهستی بحرینی، تهران، انتشارات هرمس.
- نفرگوی کهن مهرداد (۱۳۷۳)، «توصیف ساختمان دستگاه فعل در گویش تالشی دهستان طاسکوه ماسال»، *مجله زبان‌شناسی*، ش ۲۱، صص ۳۸-۵۷.
- یحیی‌زاده، سید اکبر (۱۳۸۲)، *بررسی زبان‌شناختی تاتی شاهرود خلخال*، پایان نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه شیراز، به راهنمایی محمود رضا دستغیب، (چاپ نشده).
- Schulze, Wolfgang (2000). *Northern Taleysi*. Lincom Europa.
- Yarshater, Ehsan (1960), "The Tati Dialect of Kajal". *BSOAS*, 23, pp. 275-286.